

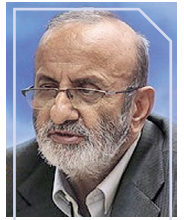


حمید سوتودی (شاعر)

امیر حسین فردی (نویسنده)



ابوالفضل علی (فراگفتیست)



حسن شافاریان (محقق)



شید رسول کافانزار (نگارگر)



شید احمد زارعی (شاعر)



مهراد اوستا (شاعر)



حسن روح‌الامین (نگارگر)



شادیروشنفاریان (نویسنده)



حبیب‌الله مغیمی (شاعر)



علیرضا زره (شاعر)



مهد علی کوپینی (نویسنده)



علی محمد مۇدب (شاعر)



مهد مهدی سیار (شاعر)



سیدین‌دخ وحبیدی (شاعر)



امیر حسین شافاریان (نویسنده)

خالی کردن نمایشگاه‌های استانی از ناشران!!

نہتہنہ این انتقاد وارد است و انتقاد به حقی است، بلکه می‌خواهم بگویم ما در یکی دو سال اخیر، نہتہنہ پیشروی نداشتہ‌ایم، بلکه عقب‌گرد ہم داشتہ‌ایم. من خاطرم هست نمایشگاه‌های استانی که می‌توانست یک مقدار عدم دائمی بودن نمایشگاه بین‌المللی را جبران کند و تا حدودی این خلأ را پُر کند. ولی اتفاقی که افتاد، در وزارت فرهنگ و ارشاد در زمان ریاست‌جمهوری آقای رئیسی، نمایشگاه‌های استانی را از حضور ناشر خالی کردند. این خسران بزرگی بود برای نمایشگاه‌های استانی.

به ناشر گفتند شما فقط کتاب بفروش، کتابی هم که می‌رفت برای نمایشگاه، ما خودمان یک ناشر هستیم که چند وقت پیش در استان خراسان‌شمالی نمایشگاه استانی برگزار شد، بعد نمایشگاه به استان‌های دیگر رفت، از من بعنوان ناشر، کتابی که درخواست کردند در حجم یک کارتن کتاب بود. این یک کارتن کتاب معلوم نیست در چند استان باید بپردازد و آخر سر هم تماش بگیرند و بگویند تعدادی فروخته شده و بقیه کتاب‌ها را هم بعنوان مرجوعی تحویل بگیر. یعنی کاملاً به مسخره گرفتن موضوع کتاب و نمایشگاه کتاب است. چرا؟ چون من خودم بعنوان ناشر در نمایشگاه حضور ندارم. مهم‌تر از کتاب، خود من هستم که راجع به کتاب ترویج و تبلیغ کنم، خودم با مخاطب ارتباط داشته باشم. این از تباطات فرهنگی است که در کنار کتاب معنا پیدا می‌کند و نویسنده‌های آن استان و ناشران آن استان را می‌بینم، یک تبادل و تعامل فرهنگی اتفاق می‌افتد.

من شنیدم کتاب‌ها را روی عطف می‌چینند و روی جلد نمی‌چینند که جلد دیده بشود. یعنی اگر مخاطب یک کتابی در ذهنش باشد، فقط دنبال همان می‌گردد، آن را پیدا می‌کند، می‌خرد و می‌رود. با تازه‌های نشر مواجه نمی‌شود. این یعنی نابود کردن کتاب. یعنی نہتہنہ بيشگاه بین‌المللی نتوانسته این عیب را برطرف کند، بلکه یک عیب دیگر به آن اضافه کرده‌اند برای نمایشگاه‌های استانی.

نمایشگاه‌های استانی هم، نمایشگاه‌های مظلومی بودند. فقیرانه در یک گوشه‌ای از این مملکت این نمایشگاه‌ها دایر می‌شد و مسئولین حق مطلب را برای آنها ادا نمی‌کردند. متأسفانه متولیان فرهنگی کشور هم همیشه دنبال این می‌گردند که یک کاری بکنند که هزینه‌ها کم بشود و این هزینه‌های صرفه‌جویی‌شده را کجا خرج می‌کنند را هم نمی‌دانم. برای اینها این طرح غلط، بد نبود و اینها هم دنبال کردند.

❖ شما برای نمایشگاه آه آینده که به صورت حضوری برگزار شود، انتظار دارید به چه کیفیتی اداره بشود؟
مهم‌ترین مشکل را در چه می‌بینید که سعی در برطرف کردن آن بکنند؟

مدیریت نمایشگاه باید اصلاح شود
یکی از بزرگ‌ترین ایرادها در مدیریت نمایشگاه این است که مرمی نیست و بادی است. کار را باید مردمی بکنند. اینجا که شعار، دموکراسی می‌دهند، اینجا به معنای واقعی کلمه بیایند و ببینند کدام موضوع کتاب‌ها در جامعه خواهان بیشتری دارد و عنوان‌های بیشتر و تیراژهای بیشتری چاپ می‌شود؟ گاهی اوقات مخاطب‌های میلیونی دارد. به معنای واقعی کلمه چشم و گوش خودشان را باز کنند و این موضوع را ببینند.

مورد دوم، در تشکل‌ها اجتماع این تشکل‌ها را ببینند و متفانه و به دور از نگاه بادی اینها را ببینند. نباید به یک تشکلی از نظر دهنه و غُده کم، توجه کنند که مخصوصاً غده و غُده را کم کرده‌اند که به منافع بیشتری برسند، چون نگاه، یک نگاه فرهنگی نبوده و نگاه مطرح شدن بوده. اینها هم اختصاصاً بیایند و اینها را ببینند. یعنی یک دورهمی برای خودشان درست کنند در پشت درهای بسته و تقسیم غزوات صورت بگیرد!

و اگر وزارت ارشاد در طول سال فرصت‌های فرهنگی دارد، در این فرصت‌های فرهنگی که می‌خواهند افراد را برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دخیل کنند، اینجا عادلانه نگاه کنند. صرفاً انتخاب آنها از جناح خاص و باند خاصی نباشد. گاهی اوقات این انتخاب‌ها هیچ ارتباطی هم با مقول‌های فرهنگی ندارد. اینجا اوقات حق ضدفروشنگی و مدنظم هستند. طرف بیانه امضاء کرده و از دشمن این ملت و نظام خواسته که شما ببایید و مشکل این مملکت را حل کنید. اعان ازجرا و بیزاری کرده از این نظام. بعد مسئولین وزارت فرهنگ در جمهوری اسلامی، این افراد را در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها عضو کرده‌اند؟! اینجا چطور پاسخگو هستند. کسی که نه نظام را قبول دارد نه مردم را قبول دارد، بها به دشمن مردم می‌دهد و بیانه امضاء می‌کند، شما چطور توانستید بر این کرسی بنشینید و این افراد را در تصمیم‌گیری‌ها این دلیل کنید و لدسوزان واقعی نظام و کساتی که بشماره برای فرهنگ این مملکت دوندگی می‌کنند را در هیچ ستاد و تشکلی جا ندهید!

❖ **حتی در مدیریت نمایشگاه هم این محسوس بود که ناشران خصوصی نقش نقش ندارند. حادقاصل اداره بخش ناشران خصوصی در نمایشگاه را به خود ناشران بخش خصوصی واگذار کنند. اگر گفته‌های در دفتنان هست که ما می‌سوال نکردم بایدید.**

❖ **ما با قدرت نشر کتاب را حفظ می‌کنیم**
ما مابعد نمی‌شویم، خیلی از اینها آمده‌اند و رفته‌اند و سنگاندازی کرده‌اند و مانع‌تراشی کرده‌اند. هیچ کدام ما را ناامید نکرده است. گاهی تضعیف شده‌ایم و کار برای ما سخت شده است ولی هیچ وقت از نادیدم چراز خاموش کنند.

من چندین سال دفتر انتشاراتی‌ام داخل خانام بود. توانستم به کارمندانم حقوق بدهم و آنها یکی پس از دیگری با شرمندگی به آنها گفتم که خودتان به فکر مدار خودتان باشید. خودم تنهایی در منزل انتشارات را اداره کردم. الان هم حدود پانزده سال است که سابقه کار انتشاراتی دارم و با یک کارمند دارم کار می‌کنم. خیلی‌ها تعجب می‌کنند که این تعداد کتاب را با یک نفر من چطوری انجام می‌دهم، نگاه کاملاً یک نگاه چلادی است و مثل زرمندانگی در نباید خازیر و ترکت می‌کرد و برای خودش وظیفه می‌دانست که حتی اگر مهماتش تمام بشود، با چنگ و دندان باید عدالت وفاق کند. ما هم در حوزه فرهنگ داریم این طوری عمل می‌کنیم.

شاید خیلی‌ها گلايه‌های ما را نشنوند، حضراتی که فرصت‌های نظام دست آنها می‌افتد در فرصت را به فکر مدار خودتان باشید. خودم تنهایی در منزل انتشارات را اداره کردم. الان هم حدود پانزده سال است که سابقه کار انتشاراتی دارم و با یک کارمند دارم کار می‌کنم. خیلی‌ها تعجب می‌کنند که این تعداد کتاب را با یک نفر من چطوری انجام می‌دهم، نگاه کاملاً یک نگاه چلادی است و مثل زرمندانگی در نباید خازیر و ترکت می‌کرد و برای خودش وظیفه می‌دانست که حتی اگر مهماتش تمام بشود، با چنگ و دندان باید عدالت وفاق کند. ما هم در حوزه فرهنگ داریم این طوری عمل می‌کنیم.

شاید خیلی‌ها گلايه‌های ما را نشنوند، حضراتی که فرصت‌های نظام دست آنها می‌افتد در فرصت را به فکر مدار خودتان باشید. خودم تنهایی در منزل انتشارات را اداره کردم. الان هم حدود پانزده سال است که سابقه کار انتشاراتی دارم و با یک کارمند دارم کار می‌کنم. خیلی‌ها تعجب می‌کنند که این تعداد کتاب را با یک نفر من چطوری انجام می‌دهم، نگاه کاملاً یک نگاه چلادی است و مثل زرمندانگی در نباید خازیر و ترکت می‌کرد و برای خودش وظیفه می‌دانست که حتی اگر مهماتش تمام بشود، با چنگ و دندان باید عدالت وفاق کند. ما هم در حوزه فرهنگ داریم این طوری عمل می‌کنیم.

گفت‌وگوی تفصیلی با مدیر انتشارات رسول آفتاب

